

بقلم عطارد

عربستان قبل از اسلام

مسلطنتهای قدیم عربی

ایام جاهلیت | زمان مقارن ظهور اسلام وضع عربستان و ملت عرب طوری بود که بآن زمان ایام جاهلیت اطلاق میشود در این زمان مخصوصاً در حجاز غالب مردم در حال بدویت زندگی میکردند شهرهای کوچکی دور از هم اینجا و آنجا دیده میشدند و هم چنین بعض مستعمره های یهودی از قبیل خیبر و نظایر آن تامین شده بود ولی همه آنها از همدیگر جدا و بمنزله جزایری بودند که در دریای ریک واقع شده باشند و در این دریای ریک سوزان قبایل متعدد عرب برای پیدا کردن مرتع و آب دائماً در حال حرکت بودند اوضاع قبایل از حیث عقاید دینی و طرز معیشت و وسایل زندگانی و ترتیبات اجتماعی بسیار اسفناک بود بت پرستی با بست ترین شکل آن در میان آنها رایج بود اعتقاد به غول و موهومات دیگر و همچنین به سعد و نحس بافراط داشتند و از هر چیزی تطییر مینمودند و ترتیب اثر بآن میدادند کشتن اولاد و مخصوصاً دخترها که آنها را واده میگفتند از جمله

عادات زشت آنها بود طلاق دادن زن شوهر خود را و ازدواج نمودن فرزندان با زن پدر خود از جمله رسوم ایام جاهلیت بود که مورخین ذکر نموده‌اند و در قرآن کریم آیات متعددی در باره بعضی از آنها وارد شده و مشرکین را بجهت آن اعمال نکوهش نموده است.

قبایل مختلف که دائماً در حال کوچ بودند بهیچ قوه مرکزی و نفوذ ما فوق تمکین نداشتند حتی در میان افرادی که قبیله هم یک رئیس قطعی و مسلم و واجب الاطاعه که حکمش در میان تمام افراد قبیله نافذ باشد و نظم را برقرار نموده و قوانین ناشیه از عرف و عادت را اجرا نماید وجود نداشت رؤسا (۱) و ریش سفیدان قبیله که در اثر شجاعت و عقل و تجربه و ثروت امتیاز پیدا مینمودند بیشتر جنبه رهبری و ریاست افتخاری داشتند تا جنبه تحکم و تسلط و غالباً جنگ در بین این قبایل برقرار بود بعضی از جنگ‌ها تا سی چهار سال طول میکشید و گاهی بواسطه معاهده‌هایی که بین قبایل منعقد میشد و آنها را حاف می‌گفتند قبایل بیطرف بطرفین ملحق میشدند و باین ترتیب جنگ جنبه عمومیت پیدا مینمود جنگ بسوس (۲) و جنگ داحس (۳) و غیره از جمله جنگهای مبتدی است که ذکر آنها

(۱) مورخین فرنگی مینویسند که رئیس قبیله را شیخ می‌گفتند لکن در هیچ یک از کتابهایی که راجع بساحوال قبایل عرب و نسب و تاریخ جنگهای آنها با یکدیگر بحث میکند بنظر نرسید که قبایل عرب مثل عشایر ایران که خن دارند یکدیگر شیخ داشته باشند از اشعار جاهلیت و اشعار اوایل دوره اسلامی هم این مطلب دستگیر نشد.

(۲) نام بیرزنی است که بنا بر روایات بخاطر انتقام از شتر او جنگ منصلی بین دو قبیله تغلب و بکر در گرفت و چندین سال طول کشید.

(۳) داحس و غیره نام دو اسب است که نزاع راجع به مسابقه آنها باعث يك جنگ طولانی بین دو قبیله عبس و ذبیان شد.

در قصه ها و اشعاری که از زمان جاهلیت باقی مانده است آمده است .
 وضع چند شهر از هفتم دور افتاده حجاز هم چندان فرقی با وضع بدویها
 نداشت عقاید دینی و عاداتهای اجتماعی آنها شبیه بود با آنچه در بین بدویها
 رواج داشت .

اینها که ذکر کردیم راجع بود باوضاع قسمتهای
 داخلی عربستان و نزدیکینهای ظهور اسلام یعنی قرن

تمدن قدیم
 عرب

ششم و اوایل قرن هفتم میلادی و گرنه عربستان همیشه و در همه جای
 آن دارای آن اوضاع نبوده قرنهای قبل از میلاد مسیح در بعض قسمتهای
 عربستان حکومتهای عربی تشکیل شده بود که دارای تمدن نسبتاً مکملی
 بوده اند و با همسایگان خود روابط سیاسی و اقتصادی تاسیس نموده بودند
 و نام آنها در کتیبه های آشوری وارد شده است از خود عربهای آن
 زمان کتیبه های بسیاری به دست آمده است که با خواندن آنها تاریخ ملت
 عرب تا اندازه ای از هزار سال قبل از میلاد باین طرف روشن میشود در
 همان زمانهای متاخر یعنی ایام جاهلیت هم در جنوب عربستان و سرزمین
 یمن بجهت مساعد بودن آب و هوا و منبت بون خاک و همچنین در قسمت
 های شمال شرقی و شمال غربی بعثت مجاورت با اقوام متمدن قسمتهای
 کوچکی از عربستان دارای وضع متفاوتی با اوضاع قسمتهای دیگر عربستان
 و حجاز بودند .

عربهای ساکن آن قسمت ها در تحت تاثیر مرآمده با اقوام شرقی آن
 زمان از لحاظ امور اجتماعی و سیاسی تا اندازه ای ترقی نموده و بتاسیس
 حکومت های نسبتاً منظمی موفق شده بودند نام سه دولت نیمه مستقل عربی
 در تواریخ مذکور است که در گوشه و کنار عربستان تشکیل شده و تا
 نزدیکینهای ظهور اسلام ادامه داشته اند ما در اینجا شرح مختصری راجع

باوضاع و احوال عربستان و نژاد عرب و کتیبه‌هایی که کشف شده و سلطنت‌های قدیم و حکومت‌های نیمه مستقل متأخر عربستان تقدیم خوانندگان مجله دانشکده ادبیات مینماییم:

عربستان بعقیده بعض علمای نژاد شناسی
مرکز اصلی تمام اقوام سامی نژاد است و

مرکز مهاجرت اقوام سامی

همانطور که اقوام آریائی از آسیای مرکزی و سیریه مهاجرت نموده و در ایران و هندوستان و جاهای دیگر نشیمن گزیده‌اند همانطور هم اقوام مختلفه سامی نژاد اول از سر زمین عربستان مهاجرت نموده در ممالک مختلفه آسیا و آفریقا متوطن شده‌اند.

اگر چه این فرض با ادله قطعی به ثبوت نرسیده است ولی مطالعه و تحقیقات علمای سامی شناس در زمینه علم السنه و اشتقاق لغات و حفاریات این احتمال را قوت داده است اوضاع طبیعی و جغرافیائی عربستان هم طوری است که انتشار اقوام سامی از آنجا آسان بوده است مثلاً بابلیها که از جمله اقوام سامی نژاد هستند مهاجرانشان از عربستان خیلی ساده است چون ما بین عربستان و زمین بابل هیچ حایل طبیعی وجود ندارد که مانع مهاجرت اولیه سکنه بابل باشد.

همین نکته در باره آرامی‌ها (۱) که سکنه قدیم سوریه هستند نیز صادق است همچنین ارتباط عربستان با مملکت فلسطینی از قدیمترین از منة تاریخی برقرار بوده است.

اما راجع به حبشه که دریای باریک بحیر احمر آنرا از عربستان

(۱) Arameen منسوب به آرام که بنا بر روایات پسرمام بوده است و جد اقوام و ممالک ساکن سوریه و بین النهرین میباشد.

جدا مینماید و اهالی آنجا با وجود تیرگی رنگشان جزو اقوام سامی نژاد هستند مهاجرت بآنجا از عربستان نسبتاً دیرتر از سایر جاها اتفاق افتاده است .

در هر صورت چه عربستان مرکز مهاجرت‌های اقوام سامی نژاد باشد یا نه در تاریخ هیچ اثری که دلالت بر آن بکند پیدا نشده است .

تقسیمات نژادی

عرب

موضوع نژاد عرب یک مسئله قابل دقت و مطالعه است از زمانهای خیلی قدیم ملت عرب

به دو دسته و گروه بکلی ممتاز از همدیگر تقسیم میشده اند که از لحاظ محل سکونت و تقسیم جغرافیائی میتوان آنها را به عربهای شمالی و عربهای جنوبی تقسیم نمود علمای انساب عربهای جنوبی را از اولاد قحطان و عربهای شمالی را از اولاد حضرت اسماعیل میدانند که بنام عدنان از اعقاب حضرت اسماعیل به عدنانی (۱) معروف هستند .

عرب عاربه و

عربهای قحطانی قرن‌ها قبل از ظهور عربهای

عرب مستعربه | اسماعیلی و عدنانی در قسمت های جنوبی عربستان

مستقر شده بودند عربهای شمالی که از اولاد حضرت اسماعیل هستند در زمان متاخرتر در عربستان جا گرفته‌اند و از این جهت قحطانی‌ها را با اصطلاح علمای انساب عرب عاربه و عدنانی‌ها را عرب مستعربه میگویند که تقریباً بمعنای عرب اصلی و عرب کسبی می‌شود و از قدیم عرب‌های اصلی (عرب عاربه) که نوعاً در جنوب سکونت داشتند مایل باقامت در شهرها و دهات و اهل

(۱) عدنانی‌ها هم بدو قبیله دسته مهم جدا میشدند ربهه و مضر قبایل بزرگ تطلب و

بکر و فزاره از ربهه و کنانه و قریش و تمیم از مضر بودند .

زراعت بوده اند و بر خلاف آنها عربهای عدنانی یا (عرب مستعربه) مایل به چادر نشین و حیات ایلپاتی بوده و به گله داری و پرورش حیوانات اشتغال داشته اند.

منشأ اصلی قحطانی ها | معهدا در مسئله منشأ اصلی قحطانی ها

(عرب عاربه) بین علمای نژاد شناسی اختلاف موجود است بعضی ها باین عقیده هستند که (عرب عاربه) مثل عربهای عدنانی از نژاد سامی نیست بلکه عربهای قحطانی از اصل نژاد آفریگائی یا حامی منشعب شده اند و برای مدعای خود ادله چندی اقامه مینمایند به این شرح :

(۱) انقسام ملت عرب از زمانهای قدیم بدو دسته و عداوت ما بین دو دسته دائماً .

(۲) اشعار لفظ حمیر (که از قبایل قحطانی است) به سرخی و یا تیرگی رنگ بنا بر آنچه از لفظ احمر مشتق شده باشد .

(۳) مشابهت زبان حمیری قدیم به السنه آفریگائی .

(۴) مشابهت صرف و نحو عربی که فعلاً توسط عربهای جنوبی استعمال میشود به صرف و نحو زبان حبشی .

(۵) مشابهت واضح تشکیلات قبل از اسلام یمن (سلطنت دربار لشگر و رعیت) به تشکیلات مصر قدیم و حبشه فعلی .

این ادله و چند دلیل دیگر را بسیاری از علمای نژاد شناسی قبول نکرده و هر دو دسته از عربها را (قحطانی و عدنانی) از نژاد سامی دانسته و جزو اقوام آسیایی شمردند .

تام عرب در تورات در چند مورد ذکر شده است لکن خیلی باختصار و جسته جسته

ما حد تاریخ قدیم
عرب

مطالبی راجع به بهادر کتاب مقدس یهود پیدا می‌شود.

بمناسبت حمله‌ای که رومیها (۲۶) سال قبل از میلاد به عربستان نمودند رومیها عربها را شناخته و مورخین رومی مطالبی در کتابهای خود نوشتند اما هر چه در باره عرب نوشته‌اند همه راجع بزمان تألیف کتاب و حمله رومیها است و راجع بتاریخ قدیم عرب چیزی نوشته‌اند در قرن ۱۹ که طریقه خواندن خط آشوری قدیم کشف شد از کتیبه‌های آشوری اطلاعات چندی در باره روابط آشوریها با عربها در قرن هشتم قبل از میلاد بدست آمد بعد ها که کتیبه‌های مختلفی در چندین نقطه از عربستان کشف و خوانده شد اطلاعات نسبتاً کاملی از تاریخ قدیم عربستان از هزار سال قبل از میلاد باینطرف بدست آمد و با مقایسه این کتیبه‌های عربی با کتیبه‌های آشوری و مطالب وارده در تورات و نوشته‌های مورخین یونانی و رومی معلومات در باره تاریخ عرب تکمیل گردید

کتیبه‌هایی که از نقاط مختلفه عربستان بدست

آمده است نوعاً فاقد تاریخ میباشد و از اینرو باین

تعیین تاریخ کتیبه‌های عربی

مورخین و اهل فن در باره تاریخ خود کتیبه‌ها اختلاف پدید آمده است بعقیده بعضی‌ها تاریخ کتیبه‌ها از هزار و ششصد سال قبل از میلاد شروع میشود ولی هیچکس تاریخ مطالب مورد بحث آنها را کمتر از هشت قرن قبل از میلاد نمیداند کتیبه‌های مربوط بشهر سبا و سلطنت سبا از مطالب تقریباً هزار سال قبل از میلاد بحث میکنند بلکه سبا که بنا بروایت‌های شرقی نامش بلقیس بوده است در سال ۹۵۰ قبل از میلاد میزیسته است در کتیبه‌های آشوری هم از یکی از پادشاهان سبا نام برده میشود که به ساراگن پادشاه آشوری که ۷۵۰ سال قبل از میلاد میزیسته است باج میفرستاد.

سلطنت سبا تقریباً از هزار سال قبل از میلاد تا سال

سلطنت سبا

۱۱۵ سال قبل از میلاد ادامه داشته و غالباً با مجاورین خود سلطنت

حضرموت و کاتا یانیا در جدال بود تادر سال ۱۱۵ قبل از میلاد سلطنت سبا توسط حمیریها منقرض گردید

سلطنت حمیریها و حبشی ها

سلطنت کاتایانیا هم منقرض شد عنوانی را که پادشاهان جدید حمیری اتخاذ نمودند عبارت بود از پادشاه سباریضان نام بیست و شش تن از پادشاهان حمیر در کتیبه ها نوشته شده است در این دوره بود که رومیها بعربستان هجوم نمودند این هجوم که در زمان سلطنت اگست (۱) قیصر اول روم آغاز گردیده با شکست کامل رومیها منتهی شد راهنمایان خیانت نموده قشون رومی را به ریکزار کشانیدند و در آنجا قشون رومی بکلی تلف شده از بین رفت در اواخر این دوره حبشی ها که سابقاً از عربستان به حبشه مهاجرت نموده بودند کم کم شروع به مهاجرت بعربستان نموده و در قسمت های جنوبی مستقر شدند متدرجاً کسب قوت نموده و از خود سلسله ای تشکیل داده و سلطنت حمیریها را مغلوب و منقرض نمودند پادشاهان حبشی عنوان خود را پادشاه سباریضان حضرموت یمن قرار دادند از آنطرف حمیریها هم بیکار ننشسته و همواره برای اعاده قدرت و سلطنت از دست رفته در کوشش بودند تا موفق شدند سلطنت جدیدی در سبا تشکیل بدهند چون دین یهود را قبول نموده بودند به ترویج آن دین و آزار نمودن

(۱) August اولین امپراطور روم که نام حقیقی وی آنتوان بوده است در زمان وی دوات معظم روم مشعشع ترین دوره خود را بسر برده است در ۶۳ قبل از میلاد متواد ردر ۱۴ بعد از میلاد در گذشته است .

مسیحیان مشغول شدند مشهورترین پادشاهان حمیری در آن دوره ذونواس است و نزاعی که در آن زمان بین حمیریها و حبشی ها در کار بود در حقیقت يك نزاع مابین یهودیت و مسیحیت بود و بهمین جهت هم دولت بیزانس طرفداری از حبشه مینمود تا در سال ۵۲۵ غلبه کامل نصیب حبشی ها و مسیحی ها شد در تواریخ عرب نام چهار پادشاه حبشی آمده است که در عربستان سلطنت نموده اند ولی در کتیبه ها فقط نام یکی از آنها بدست آمده است لشکر کشی ابرهه سر کرده حبشی بمکه در حدود سال ۵۷۰ بعد از میلاد است پنج سال بعد مخالفین حبشی ها و مسیحی ها بدولت ایران متوسل شدند ایرانیها حبشی ها را از عربستان بیرون رانده و اداره آن قسمت را بدست خود گرفتند و از طرف خود در یمن حاکم نصب نمودند.

این سلطنت ها که زمانشان نسبتاً قدیم است ظاهراً استقلال کامل داشتند در زمانهای نسبتاً متأخر چند سلطنت نیمه مستقل تشکیل	سلطنت حیره
---	-----------------------

شد که در اینجا شرح اجمالی سه تا از آنها میپردازیم.

مملکت حیره از اراضی واقعه ما بین فرات و صحرای عربستان تشکیل مییافت که بلطافات هوا و حاصل خیزی فوق العاده خاکش معروف بود شهر حیره پایتخت مملکت هم فقط چند میلی از محلی که بعد ها شهر کوفه در آن بنا شد فاصله داشت اهالی مملکت حیره بنا بنوشته طبری از سه قسمت تشکیل میشده است اول تنوخیها که چادر نشین بوده و اصلاً از تهامه و نجد بآنجا مهاجرت نموده بودند و در زمانی که حکومت اشکانیها رو بضعف گذاشته بود در حیره مستقر شده و تسلط یافته بودند مورخین عرب داستان جنگهای آنها را باملکه زنویا (۱) که در تواریخ عرب

(۱) Zenobie بنا بنوشته مورخین رومی نامملکه پالمیر بوده است که با رومیها

جنگ کرده و مغلوب شده است.

بنام زباء (۱) معروف است با تفضیل شرح میدهند.

(۲) عبادی ها که شهر نشین بوده و در خانه ها زندگی میکردند و پیرو مذهب مسیح بودند زبان مذهبی آنها سریانی بود ولی مابین خودشان زبان عربی صحبت مینمودند.

(۳) عناصر مختلفی که به حیره پناهنده شده بودند که نه از قبیله های تنوخ بودند و نه از عبادی ها محسوب میشدند.

اطلاعات قابل اطمینانی از مؤسین اولیه سلطنت حیره در دست نیست سلسله لخمی که در تاریخ و ادبیات عرب مشهور است در اواخر قرن سوم میلادی ظهور نموده و در ۶۰۲ منقرض شده است نام بیست تن از پادشاهان آنها در تواریخ عرب ذکر شده است.

و با وجود اینکه عمده رعایای پادشاهان لخمی مسیحی بودند آنها همین طور در شرك باقی بودند تا پادشاه آخری حیره نعمان دین مسیح را قبول نمود سلطنت حیره چنانکه اشاره شد هیچ وقت استقلال حقیقی نداشت بلکه تابع شاهنشاهان ایران بود و از قوای لشکری دولت ایران استفاده مینمود و پادشاهان حیره رسماً از دولت ایران وظیفه و مستمری دریافت

(۱) بنا بنوشته مورخین شرقی زباء دختر یکی از پادشاهان عرب که در جزیره و ساحل فرات دارای قلعه و شهر مستحکمی بود میباشد وی چندیمه پادشاه حیره را که با وی عداوت و پدر کشتگی داشت بوعده ازدواج فریفته و به شهر خود جلب کرده و در آنجا بقتل رسانید خواهر زاده چندیمه عمرو با تدبیر و حیلده قصیر نام وزیر دائیش لشکریان حیره را در صندوقهایی که پار شتران بود مخفی نموده وارد قلعه زباء نمود و قلعه را فتح کرد زباء با خوردن سم خود را هلاک نمود این قصه که در روایات عرب بسیار مشهور است منشأ چندین مثل عربی است و برای تفصیل آن مخصوصاً به کتاب مجمع الامثال میدانی رجوع بشود.

مینمودند و در مقابل در وقت حاجت و در جنگها بدولت ایران که متبوع آنها بود خدمات گرانبھائی انجام میدادند غالب اوقات دولت حیره در جنگ بارومیهها و غسانیهها که تابع رومیهها بودند صرف میشد عایدات این حکومت نیمه مستقل قسمتی از بدویهای زمینهای مجاور و قسمتی از سکنه خود مملکت بدست میآمد در سال ۶۰۲ سلسله لخمی منقرض شد و شاهنشاه ایران خسرو دوم (خسرو پرویز) يك نفر حاکم عربی از قبیله طی برای حیره تعیین نمود و کمی بعد حیره با اسلام تماس پیدا نمود.

سلطنت غسانیهها

غسانیهها که در شمال غربی عربستان ساکن

بودند از اوایل قرن ششم بتوسط يك سلسله که به جفنی یا آل جفنه معروف بودند اداره میشدند از منشاء اصلی آنها اطلاع صحیحی در دست نیست ظاهراً آنها هم از جنوب عربستان بآنجاها رفته بودند يك قسمت از آن قبیله در شهر یشرب که بعدها به مدینه معروف شد اقامت نموده بودند اولین پادشاه قطعی و مسلم جفنیها حارث بن جبلة است که بنابنوشته مورخین یزید انس در جنگی که بامندر پادشاه حیره نمود بر وی غالب آمد و این جنگ در سال ۵۲۸ میلادی اتفاق افتاد سال بعد امپراطور معروف ژستینین (۱) که شجاعت و هنرمندی غسانیهها نظرش را جلب نموده بود خواست که از آنها بعنوان پیش قراول در مقابل نفوذ ایرانیهها و حکومت تحتالذبح آنها حیره استفاده نماید و بهمین نظر حارث را به پادشاهی عربستان تعیین نمود بعلاوه برای حارث عنوان یا لقب پاتربسین که مخصوص اشراف روم بود داد.

و با این ترتیب سلطنت غسانی وارد کشمکش دائم با ایران و حیره گردید

(۱) Justinien امپراطور مشهور روم شرقی که در ایام سلطنت او دولت روم شرقی دو باره ترقی نمود ایتالیایا و شهر روم را از تصرف گت ها بیرون آورد

در جنگ‌هایی که در سال ۵۴۱ هـ رومیها به سرکردگی بلیزر (۱) در بین‌النهرین مینمودند غسانها هم شرکت داشتند بعد از مرگ حارث هم که در سال ۵۶۹ یا ۵۷۰ اتفاق افتاد روابط دوستانه غسانها با رومیها همانطور برقرار بود تا اینکه در سال ۵۸۳ آن وضع بهم خورد و اختلافانی در مملکت پدید آمد چندین شاهزاده در نقاط مختلف مملکت برای گرفتن قدرت بدست خود سر بر آوردند و بعضی از آنها بطرف ایرانها مایل شدند و بعضی دیگر نسبت برومیها وفا دار ماندند و با کمک رومیها بطرفداران ایران حمله نمودند از اینجا دیگر نام آنها در تواریخ منقطع میشود جبلة بن ایهم یکی از شاهزادگان غسانی است که در زمان خلیفه ثانی بعد از جنگ‌هایی که با قشون اسلام نمود مسلمان شد ولی چون دید که دستورهای اسلامی که مبتنی بر سعادت کامل است با اصول و دعاوی اشرافی وی سازگار نیست مرتد شده به یزید انس گریخت و در آن شهر در گذشت با آمدن سلطه اسلامی غسانها به (۲) کالیپادوسیا هاجرت نمودند و آنهایی که باقی ماندند دین اسلام را قبول نمودند.

سلطنت کننده | در اواخر قرن پنجم حکومت دیگری در اواسط

غربستان ظهور کرد بنام حکومت کننده این حکومت توسط خانواده آکل المرار (۳) که اصلا از جنوب آمده بودند تشکیل یافته بود سلطنت

(۱) Belisair (۵۰۵ - ۵۶۵) سردار شجاع و قابل رومی که در زمان سلطنت ژستینن خدمات بزرگی بدولت روم شرقی انجام داد ایتالیا را فتح نمود و بقلط مشهور است که بحکم امپراطور چشم های وی را نابینا کرده و مال کارش به گدائی کشیده است .

(۲) نام قدیم یکقسمت از آسیای صغیر .

(۳) مرار بضم میم نام علف تلخی است که وقتی شتر آنرا بخورد لب‌هایش برمیگردد و دندانهایش پیدامیشود چون دندانهای پادشاه کننده همیشه آشکار بود بآنجهت بوی لقب آکل المرار یعنی آنکه مرار خورده است داده اند نام اصلی وی معلوم شد .

کنده اسم استقلال تام نداشت و تابع پادشاهان یمن بود و همان نسبت را که حیره به ایران و غسانیه‌ها بروم داشتند کنده هم بحکومت یمن داشت و از اینجهت وقتی که حبشی‌ها که مالک یمن بودند به سرداری ابرهه به مکه معظمه هجوم نمود بزرگان کنده در اردوی وی حاضر بودند جزئیات تاریخ سلطنت کنده درست معلوم نیست ولی بنظر چنان می‌آید که آنها یک وقتی خیلی قوی شده بودند حتی لخمی‌های حیره را هم زیر تسلط خود در آورده بودند علاوه بر آن بریمامه و بحرین هم دست یافته بودند تا در جنگ شعب جبله مغلوب پادشاه حیره شده و تمام این ممالک را که تصرف نموده بودند به حیره واگذار نمودند شاعر معروف امری القیس از خانواده سلطنتی کنده بود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

